

نمی‌شود که برگشته خدا را تمجید کند جز این غریب؟¹⁹ و بدو گفت: برخاسته برو که ایمانت تو را نجات داده است.

ملکوت خدا و آمدن پسر انسان

²⁰ و چون فریسیان از او پرسیدند که ملکوت خدا کی می‌آید، او در جواب ایشان گفت: ملکوت خدا با مراقبت نمی‌آید²¹ و نخواهند گفت که: در فلان یا فلان جاست. زیرا اینک، ملکوت خدا در میان شما است.²² و به شاگردان خود گفت: ایامی می‌آید که آرزو خواهید داشت که روزی از روزهای پسر انسان را ببینید و نخواهید دید.²³ و به شما خواهند گفت: اینک، در فلان یا فلان جاست، مروید و تعاقب آن مکنید.²⁴ زیرا چون برق که از یک جانب زیر آسمان لامع شده تا جانب دیگر زیر آسمان درخشان می‌شود، پسر انسان در یوم خود همچنین خواهد بود.²⁵ لیکن اوّل لازم است که او زحمات بسیار بیند و از این فرقه مطرود شود.²⁶ و چنانکه در ایّام نوح واقع شد، همانطور در زمان پسر انسان نیز خواهد بود،²⁷ که می‌خورند و می‌نوشیدند و زن و شوهر می‌گرفتند تا روزی که چون نوح داخل کشتیشد، طوفان آمده همه را هلاک ساخت.²⁸ و همچنان که در ایّام لوط شد که به خوردن و آشامیدن و خرید و فروش و زراعت و عمارت مشغول می‌بودند،²⁹ تا روزی که چون لوط از سدوم بیرون آمد، آتش و گوگرد از آسمان بارید و همه را هلاک ساخت.³⁰ بر همین منوال خواهد بود در روزی که پسر انسان ظاهر شود.³¹ در آن روز هر که بر پشتبام باشد و اسباب او در خانه، نزول نکند تا آنها را بردارد؛ و کسی که در صحرا باشد همچنین برنگردد.³² زن لوط را به یاد آورید.³³ هر که خواهد جان خود را برهاند، آن را هلاک خواهد کرد و هر که آن را هلاک کند آن را زنده نگاه خواهد داشت.³⁴ به شما می‌گویم: در آن شب دو نفر بر یک تخت خواهند بود، یکی برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد.³⁵ و دو زن که در یک جا دست‌آس کنند، یکی برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد.³⁶ و دو نفر که در مزرعه باشند، یکی برداشته و دیگری واگذارده خواهد شد.³⁷ در جواب وی گفتند: کجا، ای خداوند؟ گفت: در هر جایی که لاش باشد، در آنجا کرکسان جمع

اغوا و بخشش

¹ و شاگردان خود را گفت: لابد است از وقوع لغزشها، لیکن وای بر آن کسی که باعث آنها شود.² او را بهتر می‌بود که سنگ آسیایی بر گردنش آویخته شود و در دریا افکنده‌شود از اینکه یکی از این کودکان را لغزش دهد.³ احتراز کنید و اگر برادرت به تو خطا ورزد او را تنبیه کن و اگر توبه کند او را ببخش.⁴ و هرگاه در روزی هفت گزّت به تو گناه کند و در روزی هفت مرتبه، برگشته به تو گوید توبه می‌کنم، او را ببخش.

ایمان و خدمت

⁵ آنگاه رسولان به خداوند گفتند: ایمان ما را زیاد کن.⁶ خداوند گفت: اگر ایمان به قدر دانه خردلی می‌داشتید، به این درخت افراغ می‌گفتید که کنده شده، در دریا نشانده شود، اطاعت شما می‌کرد.⁷ اما کیست از شما که غلامش به شخم کردن یا شبانی مشغول شود و وقتی که از صحرا آید، به وی گوید: بزودی بیا و بنشین.⁸ بلکه آیا بدو نمی‌گوید: چیزی درست کن تا شام بخورم و کمر خود را بسته مرا خدمت کن تا بخورم و بنوشم و بعد از آن تو بخور و بیاشام؟⁹ آیا از آن غلام ممت می‌کشد از آنکه حکمهای او را بجا آورد؟ گمان ندارم.¹⁰ همچنین شما نیز چون به هر چیزی که مأمور شده‌اید عمل کردید، گویند که: غلامان بی منفعت هستیم زیرا که آنچه بر ما واجب بود بجا آوردیم.

عیسی شفا می‌کند ده مرد جذامی را

¹¹ و هنگامی که سفر به سوی اورشلیم می‌کرد از میانه سامره و جلیل می‌رفت.¹² و چون به قریبهای داخل می‌شد، ناگاه ده شخص ابرص به استقبال او آمدند و از دور ایستاده،¹³ به آواز بلند گفتند: ای عیسی، خداوند بر ما ترجم فرما.¹⁴ او به ایشان نظر کرده، گفت: بروید و خود را به کاهن بنمایید. ایشان چون می‌رفتند، طاهر گشتند.¹⁵ و یکی از ایشان چون دید که شفا یافته است، برگشته به صدای بلند خدا را تمجید می‌کرد.¹⁶ و پیش قدم او به روی در افتاده، وی را شکر کرد. و او از اهل سامره بود.¹⁷ عیسی ملتفت شده گفت: آیا ده نفر طاهر نشدند؟ پس آن نه کجا شدند؟¹⁸ آیا هیچ‌کس یافت

خواهند شد.